



Designing the Crisis Management Model of Ibrahim(AS) through the Dimensions of the Comprehensive Crisis Management System Cycle

Elaheh Ebrahimi –

Amir Ghafourian Shagerdi —

Saeed Aibaghi Esfahani —

Abstract

This study is intended at identifying the method of Prophet Ibrahim (AS) in managing the crises he faced, in order to design the model of his crisis management by referring to the dimensions of the comprehensive crisis management system cycle. A case study of the life story of Prophet Ibrahim (AS) can be important in that the creation of a crisis management model of this Prophet can present a good model for crisis management in today's organizations in general. This applied research follows a descriptive-analytical method for data collection. Review the related texts and documents contains the tool for data collection. Through a qualitative-phenomenological approach using hermeneutic analysis method, this research reviews the texts for identifying the dimensions and components of crisis management of Prophet Ibrahim (AS) using the dimensions of the comprehensive crisis management system according to the components of prevention, preparedness, response and reconstruction. The results of the analysis revealed that through a clear mind, managers can identify the main challenges in their organizations, and take action to resolve the crises by creating a deliberate crisis, control strategic hidden crises.

Keywords: *Prophet Ibrahim (AS), crisis management, comprehensive crisis management system cycle.*

– Phd Student, Faculty of Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan University, Semnan, Iran

— Corresponding author: Assistant Professor, Faculty of Management and Accounting, Imam Reza international University, Mashhad, Iran

— Assistant Professor, Faculty of Industrial Engineering and Management, Shahroud University of Technology, Shahroud, Iran

شاپا چاپی: ۶۹۸۰ - ۲۲۵۱
شاپا الکترونیکی: ۵۲۳۴ - ۲۶۴۵

نشریه علمی
«مدیریت اسلامی»

(بهار ۱۴۰۰، سال ۲۹، شماره ۱: ۱۱۶ - ۸۵)



ارائه الگوی مدیریت بحران حضرت ابراهیم (ع) با بهره‌گیری از ابعاد چرخه سامانه مدیریت بحران جامع

— امیر غفوریان شاگردی —

— الهه ابراهیمی —

سعید آبی‌اغی اصفهانی —

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴

چکیده

این مقاله با هدف تبیین نقش حضرت ابراهیم (ع) در مدیریت بحران‌هایی که ایشان با آنها روبه‌رو بود درصدد است تا الگوی مدیریت بحران آن حضرت را با بهره‌گیری از ابعاد چرخه سامانه مدیریت بحران جامع ارائه کند. مطالعه موردی سیره حضرت ابراهیم (ع) به این دلیل حائز اهمیت است که ایجاد الگوی مدیریت بحران آن حضرت می‌تواند الگوی مناسبی برای مدیریت بحران در سازمان‌های امروزی به‌طور عام باشد. روش پژوهش به‌لحاظ هدف، کاربردی و چگونگی گردآوری اطلاعات نیز توصیفی - تحلیلی است. ابزار گردآوری اطلاعات، بررسی و مطالعه متون و اسناد است. این پژوهش با رویکرد کیفی - پدیدارشناسانه و با استفاده از روش تحلیل هرمونیتیک در مطالعه متون در مشخص کردن ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت بحران حضرت ابراهیم (ع) با بهره‌گیری از ابعاد چرخه سامانه مدیریت بحران جامع با توجه به مؤلفه‌های پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی سعی کرده است. نتایج تحلیل نشان داد مدیران با داشتن ذهنی کل‌نگر می‌توانند در سازمان خود مشکل اصلی را شناسایی، و با ایجاد بحرانی عمده، بحران‌هایی را مهار کنند که پنهان و راهبردی است و در رفع آن بحران اقدام کنند. **کلیدواژه‌ها:** حضرت ابراهیم (ع)؛ مدیریت بحران؛ چرخه سامانه مدیریت بحران جامع؛ مدیریت اسلامی.

* دانشجوی دکتری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

ebrahimi.elahesh@semnan.ac.ir

** نویسنده مسئول: استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

ghafourian@imamreza.ac.ir

*** استادیار دانشکده مهندسی صنایع و مدیریت، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران aibaghi@shahroodut.ac.ir

مقدمه

در عصر کنونی، که عصر پیشرفت و به‌کارگرفتن شیوه‌های مدیریتی است، سازمانها هنگامی موفق خواهند شد و به اهداف از پیش تعیین شده خود خواهند رسید که از سوی مدیرانی توانمند و مقتدر هدایت شوند (نجفی، ۱۳۹۲). این عمل اسوه‌ها (رهبران و مدیران سازمانها) نباید بر اندیشه انسانی عادی استوار شود که خود درگیر آزمون و خطاست (نهج البلاغه، خطبه ۱). چون قرآن کریم به منظور پرورش فطرت انسانها نازل شده است، همواره تازه و قابل عرضه است. از طرف دیگر، معارف عقلی و کلی که به صورت آیات الهی تجلی کرده از گزند کهنه شدن و فرسایش مصون است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۷ - ۲۴۱)؛ بنابراین در زمینه مدیریت بحران نیز می‌توان مانند دیگر زمینه‌های علوم انسانی از قرآن کریم بهره جست و مدیریت بحران نیز از این مهم مستثنی نیست (نصیبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶ - ۲۳)؛ پس در همه دوره‌ها، مدیریت اثربخش بحران موضوع مهمی بوده است. امروزه در حالی که رویکردها و الگوهای بسیاری در حوزه بحران داریم (محمدی سیرت و قاسم پور، ۱۳۹۴: ۸۴ - ۶۹) به دلیل آمیختگی با فرهنگ غربی به هیچ عنوان پاسخگوی نیازهای مدیریتی ممالک اسلامی نیست؛ از این رو امروزه کمبود تفکر ناب اسلامی که بتواند در عمل، بحرانها را صحیح رهبری کند، بیشتر از قبل احساس می‌شود (مولایی نیا و نجات‌بخش اصفهانی، ۱۳۹۶: ۷۲ - ۵۵)؛ در واقع قرآن کریم که بزرگترین هدیه الهی است (ناظم بکائی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۱ - ۸۰) فقط برای زمان و مکان خاصی نیست، بلکه برای حل بحرانهای جوامع و نیازهای آنها می‌تواند راهکارهای اثربخشی را ارائه کند (خطیبی کوشکک، ۱۳۸۴: ۵۸ - ۳۵) و می‌تواند بهترین و متعالی‌ترین راه هدایت جوامع را از این کتاب عظیم برداشت کرد (مولایی نیا و نجات‌بخش اصفهانی، ۱۳۹۶: ۷۲ - ۵۵).

با توجه به این مطالب در این مقاله به بررسی مدیریت بحران حضرت ابراهیم (ع) و نیز مقایسه و طراحی الگوی مدیریت بحران ایشان پرداخته می‌شود: در جامعه حضرت ابراهیم (ع) که به نظر مردم، بحرانی در آن نبود (مردم به آن عادت کرده بودند و آن را طبیعی قلمداد می‌کردند) یا به واقع آن را نمی‌دیدند، آن حضرت با شکستن بتها در واقع بحران بیهوده پرستی را به آنان گوشزد، و با ایجاد بحرانی عمدی در رفع آن بحران بنیادی سعی کرد، پس در سازمانهای کنونی نیز ممکن است وضع درون سازمان به نظر کارکنان عادی قلمداد شود و به آن عادت کنند و هیچ وقت به آن

پی نبرند (مثال: عدم خلاقیت محوری کارکنان)؛ پس مدیر امروزی اگر سیستمی سازمان خود را رصد کند، خواهد توانست وضعیتهایی را که در آن بحران هست، ولی آن بحران نمایان نشده است (کارکنان، آن شرایط را طبیعی می‌پندارند و شاید توانایی کشف آن را ندارند). کشف، و برای رفع آن بحران، حالتی عمدی را ایجاد کند تا آن بحران راهبردی نمایان شود و بعد در رفع آن بکوشد. بنابراین موضوع مدیریت بحران حضرت ابراهیم(ع) خواهد توانست با کل‌نگری و ضرورت ایجاد بحرانزایی (بحران عمدی و سطحی) را در سازمانها گوشزد کند. سؤال مقاله این است: "آیا می‌توان الگوی مدیریت بحران جامع را بر اساس الگوی مدیریت بحران حضرت ابراهیم(ع) با فرض ایجاد بحران در جهت رفع بحران عمده و اصلی اصلاح کرد و در پی آن آیا این الگو می‌تواند سازمانهای معاصر را در رفع بحرانهای اساسی خود یاری کند؟"

تعاریف

مدیریت بحران

مدیریت بحران به فرایندی گفته می‌شود که در آن، مدیر برای رسیدن به اهداف سازمان به کنترل و هدایت اوضاع می‌پردازد؛ به زبان ساده، بحران به «زمان خطر» یا «نگرانی» اطلاق می‌شود؛ دوره‌ای که در آن، همه چیز نامطمئن، سخت و رنج‌آوراست؛ بویژه وقتی باید از حادثه‌ای عمده جلوگیری شود؛ لذا زمان بحرانی به وقتی گفته می‌شود که موارد بسیار مهم مربوط به آینده در همان لحظه اتفاق می‌افتد و باید تصمیم‌گیری درباره آنها انجام شود (باقری، ۱۳۸۰: ۲۱ - ۳)؛ اهداف اصلی سازمان در مواقع بحرانی به خطر می‌افتد و زمان برای تصمیم‌گیری، کم و بسیار حیاتی، و حوادث بسیار غافلگیرکننده است. در این مواقع، دیگر نمی‌توان از روشهای رایج استفاده کرد. مدیر در این حالت بیش از هر چیز به تجربه، مهارت عالی و سرعت نیازمند است؛ هم‌چنین باید سریع و بموقع به ارزیابی بپردازد. واضح است هر چه اطلاعات مناسبتر و کاملتر در دسترس مدیر قرار گیرد، او توانایی بیشتری در واکنش بموقع و مناسب خواهد داشت. غالباً در این حالت، افراد به علت شتابزدگی و نیز بحرانی بودن دچار اختلاف نظر شدید می‌شوند؛ بنابراین لازم است تصمیم‌گیران در این موقعیت تلاش کنند با حفظ خونسردی به مشورت و تصمیم‌گیری بپردازند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴ - ۱). با توجه به اینکه تعاریف متعددی از بحران و نیز مدیریت

بحران ارائه شده است به چند تعریف مهم در این حوزه بسنده شود:

تعریف اول: مدیریت بحران عملی است کاربردی که بتوان با استفاده از تجزیه و تحلیل بحرانها و با کمک فناوری، راه حلی را یافت که توسط آن از وقوع بحران جلوگیری، و یا ابزار رویارویی با آن را فراهم کرد (تولایی، ۱۳۹۳: ۱۲۳ - ۱۱۷).

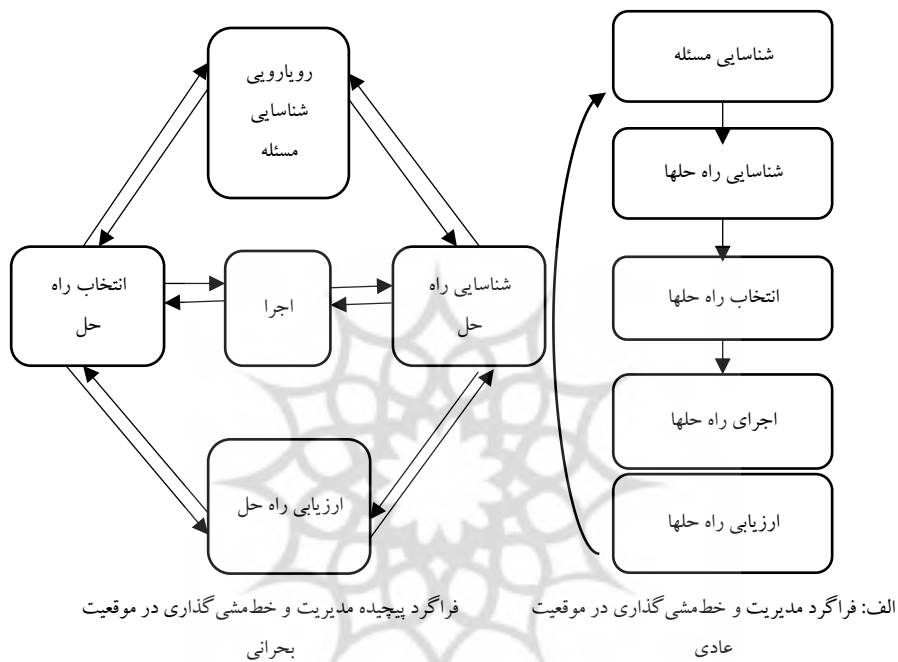
تعریف دوم: مدیریت بحران مدیریتی است که با کوشش هایی درگیر است که می خواهد نقاط بحرانی را در سازمان شناسایی کرده و بحران را به لحاظ انواع پیش بینی کند تا از بروز حادثه پیشگیری شود و بتوان تا حد امکان با جلوگیری از اتفاقی که به بحران منجر می شود، تأثیرات را به حداقل رساند (شکرچی زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

تعریف سوم: مدیریت بحران در برگیرنده برخی عملیات و اقدامات پیوسته و پویاست که شامل برنامه ریزی، سازماندهی، تشکیلات و رهبری و نیز مهار و کنترل بحران است. به نظر گاستون بوتول، برجسته ترین پیشرفتها در تفکرات مربوط به پدیده های اجتماعی در دورانهای بحرانی یا هنگام بروز بحرانی ویژه رخ داده است (پور رستمی، ۱۳۹۳). در واقع می توان گفت بحران، فشارزایی روانی اجتماعی ویژه است که موجب از بین رفتن الگوهای متعارف زندگی می شود و با ضررهای جانی و مالی و تهدیدها، نیازهای تازه ای به وجود می آورد. در نتیجه می توان بحران را این گونه تعریف کرد: بحران پیشامدی است که به طور طبیعی و یا توسط بشر به طور ناگهانی پدیدار، و باعث می شود سختی به جامعه انسانی تحمیل گردد (خانپور و خانپور، ۱۳۹۴).

رویکرد تصمیم گیری در تعریف بحران

تصمیم گیری در این رویکرد ناشی از تفکر و برداشت انسانی است؛ ذهنی است و این تصمیم گیرنده است که مبنای تحلیل قرار می گیرد و ممکن است با واقعیت عینی متفاوت باشد؛ لذا در این رویکرد، بحران تنها زمانی اتفاق می افتد که تصمیم گیرنده این چنین برداشت کند. عموماً سه ویژگی تهدید، غافلگیری و فشار زمانی را شروط اصلی وقوع بحران ذکر کرده اند که فرد یا گروه برای اینکه اوضاع را بحرانی قلمداد کند: اولاً باید احساس کند که هدفهای اولویت دار تصمیم مورد تهدید واقع شده است. ثانیاً در رویارویی با تهدید، عنصر غافلگیری باشد و ثالثاً زمان پاسخگویی، محدود و بسیار اندک باشد (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۳ - ۱۴۹)؛ بنابراین، این نگاه ذهنی تصمیم گیرنده نسبت به عامل است که اساس تحلیل قرار می گیرد؛ یعنی بحران تنها وقتی هست که

تصمیم گیرنده این چنین درک می‌کند که در آن مراحل تصمیم‌گیری شامل مراحل شناسایی مسئله، انتخاب راه حل، اجرا و ارزیابی است و در هم تنیده می‌شود.



شکل ۱. مقایسه فراگرد مدیریت و خط‌مشی‌گذاری در حالت عادی و بحران
منبع: رابرت تیلر کلمن (۱۹۵۲: ۱۲۲-۱۱۵)

همان گونه که ملاحظه می‌شود در حالت بحرانی، اجرا محور فعالیتها قرار می‌گیرد و دیگر مراحل تحت تأثیر محور اجرا، و به امکانات و شرایط اجرایی متکی است (پورعزت و قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۷۸ - ۱۶۳). یکی از نظریه‌پردازها نیز واکنش رهبران را در برابر تهدید محصول موازنه قدرت تهدید و توان پاسخ می‌داند و بسته به نوع موازنه، چهار گونه واکنش را ترسیم و ارائه می‌کند.



شکل ۲. موازنه قدرت، تهدید و توان پاسخ، منبع: پور حسینی و ربیعی (۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۲۳).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نقش رهبری در مدیریت بحران

در تعریف رهبری می‌توان گفت رهبری در واقع فرایند تأثیرگذاری در افراد به منظور همراه کردن آنها برای دستیابی به اهدافی مشترک است. سازمان زمانی می‌تواند در رسیدن به اهداف خود موفق عمل کند که از رهبری توانمند برخوردار باشد. در قرآن کریم بسیاری از اصول مدیریتی و رهبری به صورت مستقیم و غیرمستقیم در قالب قصه‌ها و پیامهای قرآنی به بشر ابلاغ شده است. که در آن سرمایه انسانی مهمترین عنصر قلمداد می‌شود. اداره این سرمایه، نگهداری و بهره برداری صحیح آن مستلزم رشد شخصی و اخلاقی و این اساسی‌ترین و مقدم‌ترین رشدها است. استاد مطهری می‌نویسد: خاستگاه رهبری و مدیریت، اصل امامت است و میان نبوت و امامت فرق است. اولی راهنمایی است و دومی رهبری؛ هم‌چنانکه راهنمایی دینی نوعی راهنمایی است که از افق غیب باید رسیده باشد؛ یعنی راهنما باید غیبی باشد. رهبری نیز این چنین است و اینکه پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وبرخی‌پیامبران‌دیگر هم راهنما بوده‌اند و هم رهبر و ختم نبوت، ختم راهنمایی الهی است نه ختم رهبری الهی... وظیفه نبی تبلیغ است؛ وظیفه امام این است که ولایت و سرپرستی و رهبری کند بر کسانی که رهبری او را پذیرفته‌اند؛ بنابراین مهمترین نیاز انسانها در گرو نیاز به مدیریت است و مدیریت، محور و موضوع تمامی فعالیت‌های آدمی محسوب می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۲).

اهمیت تأثیرگذاری تمدن پیامبران نیز تنها به گذشته تاریخ انسانی مرتبط نیست، بلکه در حال و

آینده تاریخ بشر نیز بسیار مؤثر است. در واقع تاریخ پیامبران الهی نشان می‌دهد که آنان در بسترهایی چون فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی به سایر مبانی نیز (اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) توجه ویژه کرده‌اند. هرچند حکومت، بسیار وسیع است و در شاخه‌های امروزی علوم انسانی، چون سیاست، جامعه‌شناسی و اقتصاد، ابعاد گسترده‌ای دارد، مسئله مهم این است که حکومت پیامبران ناشی از اراده الهی است به نظر می‌رسد نقش فعالیتهای انسانی در تشکیل آنها در حاشیه قرار دارد. حقیقت این است که در بررسی نقش انسانها در پیشبرد مقاصد دین الهی نباید دو مسئله مهم را نادیده گرفت: یکی نقش خود پیامبر در برپایی حکومت الهی و دوم، ترغیب و آماده‌سازی مردم برای برپایی قسط و عدالت اجتماعی است که آن رکن مهم دولت موفق است؛ بنابراین نقش مردم و پیامبران مکمل یکدیگر، و اساس حرکت پیامبران برای برپایی قسط به دست خود مردم است. در واقع، حکومت‌های الهی پیامبران، نمونه‌هایی از حاکمیت الهی، و عناصر و اجزای آن، امکان اجرا در بعد حکومتها را در جامعه دارا، و قابل الگوبرداری است (سلیمانی و منتظر القائم، ۱۳۹۳: ۲۲ - ۷). استاد مطهری در این باره می‌فرماید: این سرمایه‌های انسانی، نیازمند به مدیریت، رهبری و اکتشاف و استخراج هستند؛ هم‌چنانکه نفت نیازمند اکتشاف و استخراج و تصفیه و بهره‌برداری است. بشر به عکس حیوانات، که مجهز به نیروی خودکار غریزه اند، فاقد غریزه است و در هدایت نیازمند به تحصیل و اکتساب و به عبارت دیگر نیازمند به راهنمایی و رهبری است و مسئله نیازمندی بشر به رهبری، اساس تعلیمات انبیا و فلسفه بعثت انبیا است. بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله بر اساس فلسفه نیازمندی بشر به راهنمایی و رهبری و مدیریت است (مطهری، ۱۳۹۲). بنابراین رهبر کسی است که مردم را به دنبال خودش حرکت می‌دهد؛ حال ممکن است یک نفر هم پیدا بشود که مردم را ساکن نگه دارد. او دیگر رهبر نیست. همه رهبران امتهای و ملتها را به حرکت در می‌آورند؛ ولی بحث در نحوه و گونه حرکت شکل و تاکتیک حرکت است (مطهری، ۱۳۷۹).

با وجود اشارات فراوان قرآن به چگونگی رهبری در سیره پیامبران و اولیای الهی به نظر می‌رسد جایگاه ارزشهای مدیریتی در زندگی و خط‌مشی پیامبران بزرگ الهی کمتر مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته است؛ در حالی که پیامبران به عنوان رهبران جوامع بشری در شیوه اداره جامعه خویش به ارزشهایی متکی بوده‌اند که توجه به آنها می‌تواند در زمینه رهبری و مدیریت جوامع امروزی بسیار سودمند واقع شود؛ امری که به نوبه خود ضرورت پژوهشهای قرآنی را برای

پاسخگویی و حل مشکلات در این زمینه مورد تأکید قرار می‌دهد. لازم به ذکر است تا کنون پژوهشهای متعددی در زمینه با مدیریت بحران پیامبران مختلف ارائه شده که از آن الگوهای متفاوتی با توجه به نوع بحران، موقعیت و زمان وقوع استخراج شده است که در جدولهای ۱ و ۲ به چند نمونه از آنها اعم از مباحث قرآنی و دانش بشری پرداخته می‌شود:

جدول ۱. پیشینه تحقیق بر اساس مباحث قرآنی

مباحث قرآنی				
شماره	عنوان تحقیق	عوامل مورد تأکید برای رهایی از بحران	نقاط قوت و ضعف	منبع
۱	پویایی شناسی سیره حضرت علی علیه‌السلام در مدیریت بحران جنگ جمل	آماده سازی عملیات، یادگیری و آموزشی به منظور پیش گیری از بحرانهای آینده، بازیابی و بازسازی شخصیتهای مهم و محوری جامعه بر بازسازی شخصیت جامعه و پس از بحران، بازسازی و یادگیری	قوت: تأکید بر یادگیری و آموزش در پیشگیری از بحران و نیز تأکید بر نقش محوری و مهم شخص رهبر در جامعه در مدیریت بحران ضعفها: نپرداختن بر نقش پیروان و همراهی آنان با رهبر در پیروزی و رفع بحران	حسینی و نقی پور فر (۱۳۹۳)
۲	جنبه‌هایی از مدیریت بحران پیامبر اکرم(ص) با تأکید بر موارد خاص: چهار غزوه «بدر»، «احد»، «احزاب» و «تبوک»	در این پژوهش، محققان دریافتند حضرت محمد(ص) با تأکید بر چهار عامل مدیریت عقیده، مدیریت رفتاری، مدیریت عملیاتی و مدیریت سیاسی چهار غزوه ذکر شده را مدیریت و رهبری کردند.	قوت: پرداختن به مؤلفه های مدیریتی آن حضرت، مثل مدیریت عقیده، رفتاری و... ضعف: در نظر نگرفتن موارد ذکر شده در چرخه مدیریت بحران جامع و همچنین چرایی ایجاد بحران	باقری، مصباح الهدی (۱۳۸۰)
۳	نقش حضرت زینب(س) در مدیریت بحران سیاسی مذهبی دوران اسارت	پژوهشگران در این تحقیق دریافتند تشخیص درست بحران و زمینه‌های آن، باورهای زیربنای مدیریت بحران، ویژگیهای شخصیتی مؤثر و اقدامات مدیریتی قبل، هنگام و بعد بحران، چهار عامل مدیریت بحران، آن حضرت توانست این بحران‌ها را از طریق این چهار عامل فوق مدیریت، و آن را به فرصت تبدیل کند.	قوت: تأکید بر ویژگیهای شخصیتی حضرت زینب(ع) و همچنین در نظر گرفتن اقدامات قبل، هنگام و بعد از بحران آن حضرت در مدیریت بحران ضعفها: عدم بررسی نکردن موقعیت راهبردی و نیز جایگاه خویشاوندان آن حضرت در مدیریت بحران مهم آن زمان بویژه اما سجاده(ع)	نقی پور فر، عزیزاده و یآوری سرسختی (۱۳۹۳)

شماره	عنوان تحقیق	عوامل مورد تأکید برای رهایی از بحران	نقاط قوت و ضعف	منبع
۴	مدیریت بحران در سیره امیرالمؤمنین(ع)	اعمال درایت و هوشمندی، برنامه‌ریزی دقیق، پیشگیری از درگیری نظامی در صورت بروز بحران، اعمال راهکارهایی به منظور جلوگیری از بحرانی‌تر شدن اوضاع و تشدید بحران؛ و نیز رعایت توصیه‌های اخلاقی در سرکوبی شورشها و بحرانشا	قوتها: تأکید بر ابعاد برنامه ریزی و نیز تأکید بر بعد پیشگیری در مدیریت بحران در جلوگیری از بحرانیتر نشدن وضعیت ضعفها: عدم تأکید بر چگونگی رفع کامل بحران و نیز ویژگیهای مدیریتی ایشان و بیروانشان و هم‌چنین در نظر نگرفتن جایگاه بلوغ فکری جامعه در رفع و مدیریت بحران.	تولایی، روح‌الله (۱۳۸۶)
۵	تدوین شاخصهای مدیریت بحران با رویکرد خارج سازی قرآن از مهاجوریت (مورد مطالعه: بحران گوساله‌پرستی قوم حضرت موسی(ع))	مدیریت بحران در سیره حضرت موسی(ع) از دیدگاه قرآن از ویژگیهای خاصی برخوردار بوده که به آن جامعیتی معنادار بخشیده است. در واقع سودمندترین راه هدایت و رهایی انسانها از یوغ اسارت، فساد، و... تمسک به آموزه های الهی است.	قوتها: تأکید بر آموزه های قرآنی و نیز اقدامات حضرت موسی(ع) در مدیریت بحران گوساله پرستی در قبل، هنگام و پس از بحران و نیز تأکید بر ویژگی های رهبر در مدیریت بحران. ضعفها: نپرداختن به موقعیت و ویژگیهای فرهنگ جامعه و سازمان در ایجاد بحران و یا رفع آن	نیجات بخش اصفهانی و مولایی نیا (۱۳۹۶)
۶	بحران فرهنگی و راهکارهای مقابله با آن با توجه به سلامت اجتماعی و بهره‌گیری از روش مدیریتی برگرفته از قرآن و پیشگامان دینی اسلام	هدایت و رهبری بحرانها جهت‌دهنده و هماهنگ‌کننده تمامی فعالیتها به‌سوی اهداف است که نتیجه آن غلبه بر بحران و تأمین سلامت اجتماعی است. مدیریت بحرانها بر عملکرد گروهی که از ویژگیهای سلامت اجتماعی است، تأثیر بسیاری دارد. رهبران دینی ما در شناسایی و برخورد با بحران فرهنگی و آسیب‌های سلامت اجتماعی، راهبردهای متفاوتی را دنبال می‌کردند.	قوت: تأکید بر رهبران در مدیریت بحران و نیز در جهت‌دهی و هدایت جامعه به سوی اهداف و در نتیجه تأمین سلامت اجتماعی. ضعفها: عدم تأکید بر رهبر و فرهنگ سازمان و جامعه در پیشگیری و مقابله با بحران و نیز تأکید بیش از حد بر رفع بحرانها در رهبری جامعه به سوی اهداف به جای تأکید بر نقش رهبران و پیروان در پیشگیری از بحران و هدایت جامعه به سوی اهداف خود	عزیز آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸)

جدول ۲. پیشینه تحقیق بر اساس دانش بشری

دانش بشری				
شماره	عنوان تحقیق	عوامل مورد تأکید برای رهایی از بحران	نقاط قوت و ضعف	منبع
۱	شش گام مؤثر در مدیریت بحران	نتایج پژوهش نشان داد: مدیریت بحران مؤثر نیازمند رویکردی منظم و نظام مند است که مبتنی بر هوشیاری، حساسیت مدیریتی و درک خوب از اهمیت برنامه‌ریزی دقیق و آمادگی سازمانی است.	قوتها: تأکید بر برنامه‌ریزی و هوشیاری و درک مناسب ضعفها: عدم تأکید و بررسی عوامل مؤثری چون رهبری و عواملی چون خود کنترلی بر مدیریت بحران	حسینی، منتهی (۱۳۸۵)
۲	بررسی جایگاه مشارکتهای مردمی در مدیریت بحران	مشارکتهای مردمی به عنوان عاملی کلیدی که تجلی جامعه مدنی و احترام به رای دیگران است در کنترل و مدیریت بحران نقش بسزایی دارد.	قوت: تأکید بر مشارکت های مردمی در بهبود وضع بحرانی ضعفها: عدم تأکید و بررسی نکردن مسائلی که مشارکت مردمی می تواند و یا نمی تواند در مدیریت بحران مؤثر واقع شود.	جمیلی و سوز (۱۳۹۹)
۳	تأثیر نظام مدیریت منابع انسانی بر کیفیت عملیات مدیریت بحران	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در ستادهایی که نظام مدیریت منابع انسانی استقرار یافته است، کیفیت عملیات مدیریت بحران وضعیت بهتری دارد.	قوتها: تأکید بر مدیریت منابع انسانی بر مدیریت بحران ضعفها: بررسی نکردن عوامل دیگر مثل جایگاه رهبری، یادگیری سازمانی و فرهنگ و نقش کارکنان در مدیریت بحران سازمانی	عسکری ماسوله و همکاران (۱۳۹۵)
۴	ارائه مدل مدیریت بحران با تمرکز بر نظام مدیریت منابع انسانی برای بیمارستان‌های شهر تهران	این پژوهش نشان داد نیروی انسانی، در مراحل بحران نقشی حیاتی دارد. به علاوه، عوامل فرهنگی مانند روحیه کار گروهی، غلبه بر ترس، تخصص محوری، اینتارگری، پرهیز از شایعه و فرهنگ غالب و پیشرو در فرایند مدیریت انسانی تأثیر زیادی بر فرایند مدیریت بحران دارد.	قوت: تأکید بر نیروی انسانی به عنوان عاملی کلیدی و همچنین عوامل فرهنگی در سازمان. ضعف ها: عدم بررسی جوانب دیگر مؤثر در مدیریت بحران سازمانی مانند : تأثیر نیروی انسانی در پیشگیری از بحران و نیز تأثیر آموزش و یادگیری و آمادگی کارکنان در مراحل پس از بحران.	احمدی و همکاران (۱۳۹۱)
۵	مدیریت بحران در محیط کسب و کار امروز، نقش راهبردی منابع انسانی	رهبران منابع انسانی، نقش راهبردی در پایداری سازمانی دارند. آنها از طریق پیش‌بینی‌های گسترده مانند طرحهای ایمنی و امنیتی، توسعه رهبری، مدیریت محکم و قوی برای پشتیبانی توانمند، طرحهای ارتباطی محکم و قوی و ایمنی و امنیتی، توسعه رهبری، مدیریت محکم و قوی برای پشتیبانی از مدیریت بحران اقدام می‌کنند.	قوتها: تأکید بر نقش رهبر در مدیریت بحران با استفاده از طرحهای ایمنی و امنیتی، توسعه رهبری، مدیریت توانمند، طرحهای ارتباطی محکم و قوی برای پشتیبانی ضعفها: تأکید نکردن بر چگونگی تأثیر رهبر بر فرایند اثرگذاری در موارد ذکر شده و نیز عدم تأکید بر عوامل مؤثر دیگر در پیشگیری از بحران	جعفری (۱۳۹۸)

شماره	عنوان تحقیق	عوامل مورد تأکید برای رهایی از بحران	نقاط قوت و ضعف	منبع
۶	نقش مدیریت بحران منابع انسانی در نگهداری کارکنان آموزش و پرورش استان اصفهان	نتایج تحقیق نشان می‌دهد تمامی زیر عوامل مدیریت منابع انسانی در فرایند مدیریت بحران نقش زیادی دارد و همین طور نقش نیروی انسانی در مرحله مهار و حل بحران بسیار اساسی است.	قوتها: تأکید بر نقش مؤثر نیروی انسانی در مدیریت بحران منابع انسانی در مرحله مهار و حل بحران ضعف: تأکید نکردن بر نقش اساسی و مؤثر رهبری در چگونگی تأثیر بر کارکنان و بررسی عوامل محیطی در مدیریت منابع انسانی در سازمان	نقی: (۱۳۹۳)
۷	بررسی نقش مدیریت منابع انسانی در زمینه مدیریت بحران	نتایج نشان داد نیروی انسانی در مراحل پیشگیری، ایجاد شوک، وخامت، مزمن شدن، مهار و یادگیری ناشی از بحران نقش حیاتی دارد. هم‌چنین عوامل فرهنگی در فرایند مدیریت انسانی بر فرایند مدیریت بحران تأثیر زیادی دارد.	قوتها: تأکید بر نیروی انسانی و نقشی حیاتی آن در مراحل پیشگیری، ایجاد شوک، وخامت، مزمن شدن، مهار و یادگیری ناشی از بحران و هم‌چنین عوامل فرهنگی در فرایند مدیریت بحران در سازمان ضعفها: بررسی نکردن و نقش منابع انسانی آموزش دیده و تأثیر آموزش و یادگیری بر فرایند رویارویی با بحران	خطیری و همکاران (۱۳۹۴)

به دلیل خاص بودن موضوع مدیریت بحران حضرت ابراهیم(ع) مختصری از واقعه توضیح داده

خواهد شد:

شرحی مختصر از چگونگی ایجاد بحران عمدی توسط آن حضرت

حضرت ابراهیم(ع) در پی یافتن فرصتی بود تا زمانی که عیدی فرارسید؛ در آن روز، حضرت ابراهیم(ع) در شهر ماند و در پاسخ به دعوت آنها (مردم) فرمود من بیمار هستم و نمی توانم با شما به بیرون شهر بیایم. زمانی که شهر به طور کامل خالی شد، حضرت ابراهیم(ع) با یک تبر در دست به پرستشگاهی رفت که بت ها در آن قرار داشت. مردم هنگامی که به شهر خود بازگشتند و آنچه را پیش آمده بود دیدند، وحشت زده پرسیدند چه کسی با مقدسات ما توانسته است این چنین برخورد کند. آنان با هم گفتند به خدا سوگند کسی جرأت این کار را نداشته است جز همان جوانی که آنها را نکوهش می کرد و از آنها بیزاری می جست؛ سپس آنان برای کشتن او وسیله‌ای بدتر از کشتن با آتش نیافتند؛ از این رو هیزم فراوانی جمع آوری کردند و به این کار ادامه دادند تا روزی که قرار شد او را در آتش بسوزانند. نمرود نیز با لشکریانش برای تماشا آمدند و جایگاهی

برای او ترتیب دادند که از آنجا بنگرد که چگونه آتش، ابراهیم (ع) را در کام خود فرو خواهد برد. پس ابراهیم (ع) را در منجیق گذاشتند (تا به سوی خرمن آتش پرتاب کنند). زمین (به ناله درآمد) و گفت پروردگارا بر روی زمین کسی جز او نیست که تو را پرستد آیا باید او در آتش بسوزد؟ پروردگار متعال (در پاسخ) فرمود اگر مرا بخواند او را نجات خواهم داد (ابن بابویه، محمد بن علی: ۱۳۷۲). از امام باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود دعای ابراهیم علیه السلام در آن روز این بود که گفت: یا احد یا صمد، یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفو احد سپس گفت: ...تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ؛ لذا خدای تعالی فرمود تو را کفایت کردم و به آتش دستور فرمود «سرد باش» که ناگهان سرما آن چنان شد که دندانهای آن حضرت از شدت سرما به هم می‌خورد. خداوند فرمود: قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا و سَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ (انبیاء/۶۹): ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش». زمانی که ایشان را در منجیق قرار دادند، گفت حسبی الله و (تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ): در هر حالتی خدا برای من کافی است و به چیز دیگری اعتنایی ندارم. در واقع راز بزرگ نجات حضرت در همین جمله و نقطه اتکا بود. اعتماد و توکل به خداوند و چشم از غیر او برداشتن. ابن بابویه نیز در سال ۳۸۱ (ق) با اقتباس از سخنان امام رضا (ع) می‌نویسد: همانا خداوند حضرت ابراهیم (ع) را دوست خود قرار داد؛ چرا که او هیچ زمان غیر خدا را طلب نکرد و از کسی جز او مدد نخواست (جزائری، ۱۳۸۱: ۱۳۰ - ۱۲۷)؛ از این رو خدای تبارک فرمود: و ابراهیم الذی وُفِّی (نجم/۳۷): و ابراهیمی که به قول خود وفا کرد و به غیر من اعتنا نکرد. کلمه «توفیه» به این معنا است که حق مالک حق را به کمال ادا کنی. توفیه ابراهیم (ع) این بود که آن حضرت، حق هر صاحب حقی را که بر عهده‌اش بود، تماماً ادا، و آن را به بهترین صورت ممکن ادا کرد (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۱۶۷ - ۱۶۳).

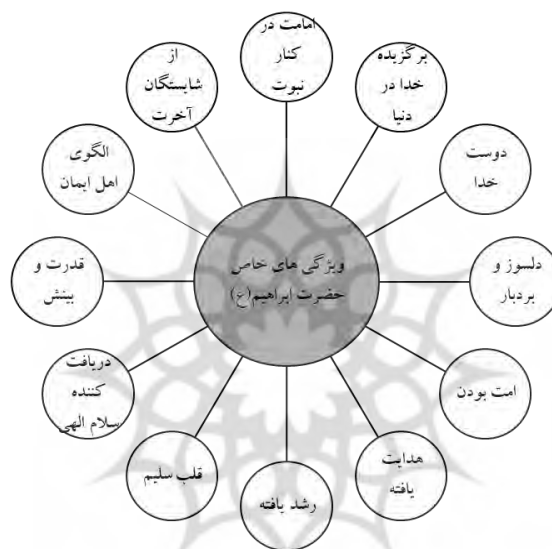
این مطلب، مهم است که خداوند بعد از آزمایش، مقام امامت و ولایت را پس از مقام پیامبری به حضرت ابراهیم (ع) عطا کرده است. ما امروز می‌توانیم نکته مدیریتی جالبی را از این قضیه برداشت، و در مدیریت جامعه از آن استفاده کنیم و آن اینکه اگر واقعاً می‌خواهیم مقامهای مهم و مدیریتهای حساس جامعه را به کسانی بسپاریم باید اولاً: آزمون افراد را مدنظر قرار دهیم و اینکه بررسی کنیم آیا این افراد می‌توانند از پس این مأموریتها برآیند یا خیر؟ اگر ما این ملاک را در جامعه لحاظ کنیم، بسیاری از آسیبهای مدیریت ما در جامعه برطرف می‌شود و شاهد تحولی در عرصه مدیریت جامعه خواهیم بود؛ آنهم مدیریتهای کلان و حساس جامعه که گاهی اوقات

بدون هیچ تجربه و آزمایشی به دست افرادی سپرده می‌شود و پس از چند صباحی می‌بینیم که مشکلات فراوان در آن حوزه ایجاد شده است؛ همان‌گونه که خداوند بعد از ابتلا و آزمایش حضرت ابراهیم(ع) مقام ولایت و امامت را به ایشان عطا می‌کند. چه زیباست که دست اندرکاران جامعه اسلامی در سپردن امانت‌های الهی و مقامات مهم در جامعه حساس باشند و پس از آزمون و سربلند بیرون آمدن از آن، این مقامات به افراد داده شود. در ادامه نیز به برخی از ویژگیهای حضرت ابراهیم(ع) پرداخته می‌شود که در برخی از آیات شریف قرآن کریم به آنها اشاره شده است.

ویژگیهای حضرت ابراهیم(ع) از دیدگاه قرآن کریم

۱. امامت و رهبری مردم در کنار نبوت: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم»: «أَنْتَى جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره/ ۱۲۴).
۲. برگزیده خدا در دنیا: «ما او را در این دنیا برگزیدیم و او در دنیایی دیگر از صالحان است»: «وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا» (بقره/ ۱۳۰).
۳. دوست خدا: «و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد»: «وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» (نساء/ ۱۲۵).
۴. دلسوز، بردبار و اهل انابه: «به یقین، ابراهیم مهربان و بردبار بود»: «چراکه حضرت ابراهیم(ع)، بردبار و بازگشت کننده بود»: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ» (هود/ ۷۵).
۵. پیشوای مطیع خدا که به تنهایی یک امت بود: ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع فرمان خدا: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ» (نحل/ ۱۲۰).
۶. برگزیده و هدایت یافته الهی: «خدا او را برگزید و به راهی راست هدایت کرد»: «اجْتَبَاهُ وَ هَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (نحل/ ۱۲۱).
۷. شخصیتی رشد یافته: ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم: «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ» (انبیا/ ۵۱).
۸. صاحب قلب سلیم: «(به یاد بیاور) هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد»: «إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (صافات/ ۸۴).
۹. دریافت کننده سلام الهی: «سلام بر ابراهیم»: «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» (صافات/ ۱۰۹).
۱۰. صاحب قدرت و بینش: «و به یاد بیاور بندگان ما ابراهیم و... را، صاحبان دستها (ی

- نیرومند) و چشم‌ها (ی بینا): «وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ... أَوْلَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ» (صاد/۴۵).
۱۱. اسوه و الگوی نیکوی اهل ایمان: «برای شما الگوی خوبی در زندگی ابراهیم (ع) و کسانی است که با او بودند: « قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه / ۴).
۱۲. از شایستگان آخرت: «او (ابراهیم) در جهان دیگر از صالحان است» (بقره/۱۳۰).



شکل ۳. برخی از ویژگی‌های منحصر به فرد حضرت ابراهیم (ع) از دیدگاه قرآن کریم
منبع: محقق یافته با اقتباس از تفسیر نور: (قرآنی، ۱۳۷۴: ۲۳۷ - ۲۲۰).

راهبردهای حضرت ابراهیم (ع) در حل بحران

۱. تبلیغ ساده و صمیمی، طبق فهم و فرهنگ مردم زمانه خود: پیامبران هر قوم با فرهنگ قوم خود آشنا بودند و مطابق فهم آنان تبلیغ می‌کردند. هم‌چنین تبلیغ باید با شیوه‌ای ساده و صریح صورت پذیرد به طوری که برای همگان قابل فهم باشد: «بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» (ابراهیم/۴).
۲. توکل و تترسیدن از آزار مخالفان: پس باید هم به خداوند توکل، در برابر دشمنان و مخالفان مقاومت و صبر و پایداری کرد. «تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ... وَكَلِّمْ كَلِمًا مَعْرُوفًا... وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ... إِنَّكَ عَلَى عَيْنِ رَبِّكَ مُدْهِرٌ» (ابراهیم/۱۲).

۳. پاسخ تهدید با تهدید: - هنگامی که کفر پیشگان به پیامبران خود گفتند بی شک ما شما را از وطن خودمان بیرون می‌کنیم مگر زمانی که هم آیین ما شوید، پس خدایشان به ایشان وحی کرد که ما قطعاً ستمکاران را هلاک می‌کنیم: «لَنُخْرِجَنَّكُمْ - لَنُهْلِكَنَّ» (ابراهیم/۱۳)؛ بنابراین هشدار و تهدید، همزمان از شیوه‌های تربیت و هدایت است: «وَأَنْذِرْ» (آیه/۴۴).

۴. تقوا و ترس از خدا شرط پیروزی: شرط پیروزی بر ستمگران، داشتن تقواست: «خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدِ». از تهدید کفار نترسید که می‌گویند: «لَنُخْرِجَنَّكُمْ» از تهدید خدا بترسید که می‌فرماید: «خَافَ وَعِيدِ» (ابراهیم/۱۴).

۵. دلسوزی برای مخالفان: «پروردگارا! همانا بتها خیلی از افراد را گمراه می‌کنند؛ پس هر کس از من پیروی کند، بی شک او از من است و هر که با من مخالفت کند، همانا تو بخشنده مهربانی». درمی‌یابیم که پیامبران، حتی نسبت به مخالفان و دشمنان خود نیز دلسوز بودند و آنان را مأیوس نمی‌کردند (ابراهیم/۳۶).

در انتها برخی از ویژگیهای حضرت ابراهیم(ع) در ذیل آمده که در قرآن کریم بیان شده

است:



شکل ۴. راهبردهای ابراهیم(ع) در حل بحران، سیمای سوره ابراهیم
منبع: محقق یافته با اقتباس از تفسیر نور (قرآنی، ۱۳۷۴: ۲۳۷ - ۲۲۰).

آیاتی که در این مقاله به حضرت ابراهیم(ع) منتسب است و در این مقاله از آن ها بهره گرفته شده به شرح جدول ذیل گردآوری شده‌اند:

جدول ۳. آیات درون متن، منتسب به حضرت ابراهیم(ع)

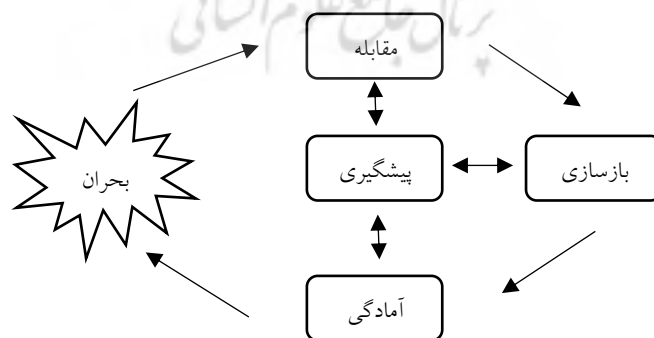
آیات	آیه کریمه	معنی آیه	مشخصات آیه
۱	«قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ»	(و سرانجام آتشی فراهم آوردند و ابراهیم را به درون آن انداختند؛ اما ما) گفتیم ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش.	سوره انبیاء آیه ۶۹
۲	«وَ اِبْرَاهِيْمَ الَّذِي وَفٰى»	(نیز صُحُفِ) ابراهیم که (حق را) به طور کامل ادا کرد.	سوره نجم، آیه ۳۷
۳	«وَ اِذْ اٰتٰنَا اِبْرَاهِيْمَ رِثٰتَهُ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهِنَّ قَالَ اِنِّىْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِيْ قَالَ لَا يَنْتَالُ عَهْدِيْ الظَّالِمِيْنَ»	(و (به یاد بیاور) هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با حوادث گوناگونی آزمایش کرد و او بخوبی از عهده آزمایش برآمد. خداوند به او فرمود من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم. ابراهیم گفت از فرزندان من نیز (امامانی قرار بده). خداوند فرمود پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند شایسته این مقامند).	سوره بقره، آیه ۱۲۴
۴	«وَ اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّىْ جَاعِلٌ فِى الْاَرْضِ خَلِيْفَةً قَالُوْا اَتَجْعَلُ فِيْهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيْهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ اِنِّىْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ»	و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت من بر آنم که در زمین جانشینی قرار دهم. فرشتگان گفتند آیا کسی را در زمین قرار می‌دهی که در آن فساد کند و خونها بریزد؟ در حالی که ما با حمد و ستایش تو، تو را تنزیه و تقدیس می‌کنیم. خداوند فرمود همانا من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.	سوره بقره، آیه ۳۰
۵	«وَ مِنْ اَحْسَنُ دِيْنًا مِمَّنْ اَسْلَمَ وَ جِهَةً لِّلّٰهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ وَ اَتَّبِعْ مِلَّةَ اِبْرَاهِيْمَ حَنِيفًا وَ اَتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلًا»	و دین و آیین چه کسی بهتر از آن است که خود را تسلیم خدا می‌کند در حالی که نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی کرده است؟ و خداوند، ابراهیم را به دوستی خود برگزید.	سوره نساء، آیه ۱۲۵
۶	« اِنَّ اِبْرَاهِيْمَ لَخَلِيْمٌ اَوْآءٌ مُّنِيْبٌ»	بدرستی که ابراهیم، بردبار و صاحب آه و ناله و اهل توبه و انابه بود.	سوره هود، آیه ۷۵
۷	« اِنَّ اِبْرَاهِيْمَ كَانَ اُمَّةً قَانِتًا لِّلّٰهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ»	همانا ابراهیم (به تنهایی) یک امت بود؛ در برابر خدا خاضع و فرمانبر و حقگرا بود و از مشرکان نبود.	سوره نحل، آیه ۱۲۰

آیات	آیه کریمه	معنی آیه	مشخصات آیه
۸	«شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاءً وَ هِدَاةً إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ»	او (ابراهیم) نسبت به نعمت‌های خداوند شکرگزار بود. (خدا) او را برگزید و به راهی مستقیم هدایتش کرد.	سوره نحل، آیه ۱۲۱
۹	«وَ لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَ كُنَّا بِهِ عَالِمِينَ»	و همانا ما پیش از این، ابراهیم را به رشد و کمال خود رساندیم و (البته) ما به (شایستگی‌های) او آگاه بودیم.	سوره انبیاء، آیه ۵۱
۱۰	«وَ إِن مِّن شَيْعَةٍ لِّإِبْرَاهِيمَ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» ۸۴	و بی گمان، ابراهیم از پیروان نوح بود؛ آن گاه که با دلی سلیم و سالم (از هر عیب) به پیشگاه پروردگارش آمد.	صافات، آیه ۸۴ و ۸۳
۱۱	«سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»	درود و سلام بر ابراهیم	صافات، آیه ۱۰۹
۱۲	«وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارِ»	و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که دارای قوت و بصیرت بودند، یاد کن.	سوره ص، آیه ۴۵
۱۳	«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَلَئِكَ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْنَا نَوَكَلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ»	همانا برای شما در (روش) ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشق و الگوی خوبی است؛ زیرا به قوم (مشرک) خود گفتند همانا ما از شما و از آنچه جز خدا می‌پرستید، بیزاریم. ما به (آیین) شما کفر ورزیدیم و میان ما و شما کینه و دشمنی ابدی است؛ مگر اینکه به خدای یگانه ایمان بیاورید. جز سخن ابراهیم به پدرش که قطعاً برای تو استغفار خواهم کرد و من برای تو (جز دعا و درخواست) مالک چیزی نیستم. پروردگارا بر تو توکل و به سوی تو انا به کردیم و بازگشت ما به سوی تو است.	سوره ممتحنه، آیه ۴
۱۴	«وَ مَن يَرْغَبْ عَن مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»	کیست که از آیین ابراهیم روی بگرداند؛ مگر کسی که خود را (فریب داده و) بیخردی کند؛ همانا ما او را در این جهان برگزیدیم و قطعاً او در جهان دیگر (نیز) از صالحان است.	سوره بقره، آیه ۱۳۰
۱۵	«وَ مَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُم فَيُضِلَّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»	هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قومش تا (بتواند) پیام خدا را) برای مردم بیان کند؛ پس خداوند هر که را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه می‌کند و هر که را بخواهد (و شایسته بداند)، هدایت می‌نماید و اوست عزیز و حکیم.	سوره ابراهیم، آیه ۴

آیات	آیه کریمه	معنی آیه	مشخصات آیه
۱۶	«وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ»	و چرا ما بر خدا توکل نکنیم در حالی که او ما را به راه‌های (سعادت) ما هدایت کرده است؟ قطعاً ما در برابر هر آزاری که شما نسبت به ما روا دارید، مقاومت خواهیم کرد و اهل توکل باید فقط بر خداوند توکل کنند.	سوره ابراهیم، آیه ۱۲
۱۷	«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأُوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ»	و کفار به پیامبرانشان گفتند ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم مگر اینکه در کیش ما در آیید؛ پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که ما حتماً ستمگران را نابود می‌کنیم.	سوره ابراهیم، آیه ۱۳
۱۸	«وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ»	و همانا بعد از (هلاکت) ستمگران، شما را در آن سرزمین سکونت خواهیم داد. این برای کسانی است که از مقام من پروا کنند و از وعده تهدید آمیزم بترسند.	سوره ابراهیم، آیه ۱۴
۱۹	«رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»	پروردگارا! همانا تنها بسیاری از مردم را گمراه کرده‌اند؛ پس هر که مرا پیروی کند، قطعاً او از من است و هر کس با من مخالفت کند، همانا تو بخشنده‌ی مهربانی.	سوره ابراهیم، آیه ۳۶

چرخه سامانه مدیریت بحران جامع

همان طور که در شکل ذیل چرخه سامانه مدیریت بحران جامع نشان داده شده است، مشاهده می‌شود عناصر اصلی مدیریت بحران در چهار مرحله (پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی) دسته‌بندی شده که در شکل ۵ آورده شده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۳ - ۱۴۹).



شکل ۵. چرخه سامانه مدیریت بحران جامع (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۳ - ۱۴۹)

عوامل چرخه سامانه مدیریت بحران

۱. کاهش تأثیرات و پیشگیری از بحران: به‌طور کلی همه کارهایی که به دلیل کاهش میزان خطر حوادث در بلندمدت به منظور حفظ جان و مال افراد انجام می‌گیرد در این دسته قرار می‌گیرد.
 ۲. آمادگی در برابر بحران: تمام عملیاتی که به دلیل افزایش توان عملیاتی به منظور واکنش مؤثر و بموقع در برابر حوادث غیر مترقبه انجام می‌گیرد نیز در این مرحله دسته‌بندی می‌شود.
 ۳. رویارویی با بحران: تمام اقداماتی را شامل می‌شود که قبل از حادثه، هنگام یا بلافاصله پس از آن به منظور نجات جان انسانها انجام می‌گیرد تا خسارت به حداقل کاهش یابد.
 ۴. بازسازی و بهبود خسارات ناشی از بحران: تمام عملیات لازم به منظور دسترسی به حداقل امکانات زندگی بعد از وقوع حادثه را شامل می‌شود تا جامعه به وضعیتی باثبات دست یابد.
- در مورد دو بحران ذکر شده، بحران مبارزه بابت پرستی و نجات از آتش نمرود (بحران ناگهانی و غیر روزمره) به روش‌های حل بحران آن حضرت پرداخته و آن با عوامل چرخه مدیریت بحران جامع مقایسه می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این مقاله به لحاظ هدف، کاربردی، بوده و چگونگی گردآوری اطلاعات نیز از توصیفی - تحلیلی است. ابزار گردآوری اطلاعات بررسی و مطالعه متون و اسناد است. این پژوهش با رویکرد کیفی - پدیدارشناسانه و استفاده از روش تحلیل هرمنوتیک در مطالعه متون، سعی در مشخص کردن ابعاد و عوامل مدیریت بحران سیاسی در مدیریت بحران حضرت ابراهیم(ع) سعی شده است. محقق در رویکرد تحلیل هرمنوتیک پدیده مورد مطالعه را با توجه به بستر و زمینه پیدایش و وقوع آن مورد شناخت و تحلیل قرار می‌دهد و معنا بخشی به رفتارها و وقایع با توجه به ظرف زمانی و موضوعی حادثه و نیز زمینه تاریخی در ارتباط با حوادث تفسیر می‌شود. این حرکت تفسیر اجزای با توجه به زمینه کلی و از زمینه کلی با توجه به اجزای را چرخه هرمنوتیک می‌گویند (دانایی فرد، الوانی و عادل آذر، ۱۳۸۶). در این این مطالعه گردآوری داده‌ها در چارچوب حوادث و اقدامات قبل، هنگام و بعد از وقوع بحران انجام می‌گیرد.

بخش دیگر مطالعه با رویکرد نشانه‌شناسانه و تحلیل مضمونها در شناسایی ابعاد اصلی شخصیتی حضرت ابراهیم(ع) سعی می‌کند. در این پژوهش سعی می‌شود تمامی داده‌ها و گزاره‌های معتبری که در تحلیل عوامل مدیریت آن حضرت مؤثر است، جمع‌آوری شود و مورد بررسی قرار گیرد. در بخش‌هایی مطالعه سعی شده است با رویکرد تطبیقی - مقایسه‌ای از تطبیق عوامل الگوی چرخه سامانه مدیریت جامع بحران و بحرانهایی که حضرت ابراهیم(ع) با آنها در طول دوره رسالتشان روبه‌رو شده‌اند و چگونگی مدیریت این بحران از جانب ایشان و نیز الگوی جامع مدیریت بحران حضرت ابراهیم(ع) استخراج، و در بخش یافته‌های پژوهش آورده شود؛ هم‌چنین به دلیل افزایش اطمینان و نیز کاهش خطا در گردآوری داده‌ها از فن مثلث‌سازی^۱ بهره‌گرفته شده است. این روش براساس چهار عنصر بهره‌گیری از داده‌های منابع متفاوت، بهره‌گیری از راه‌ها و روشهای مختلف، استفاده از محققان گوناگون و استفاده از نظریه‌ها و الگوهای متفاوت انجام می‌گیرد. برای اطمینان از صحت تحلیلها و نتایج از معیارهای مورد قبول واقع شدن، امکان انتقال پذیری، قابل اطمینان بودن و مورد تأیید بودن بهره‌گرفته شده است که آنها نیز معادل معیارهای روایی درونی، روایی بیرونی، اعتبار و عینیت در پژوهشهای کمی است. تحقق این معیارها در این پژوهش با بازرسی داده‌ها، روشها، کل‌نگری محقق و وصف محیط و در آخر گرفتن تأیید خبرگان در زمینه یافته‌ها و تحلیلها فراهم شده است.

یافته‌های پژوهش

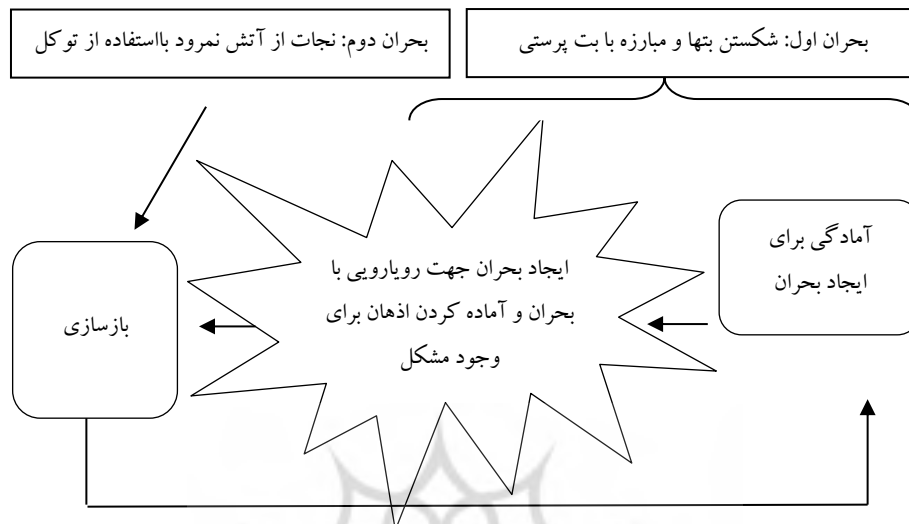
الگوی مدیریت بحران حضرت ابراهیم(ع)

در مدیریت بحران بت پرستی، حضرت ابراهیم(ع) نه تنها از پیشگیری از بروز بحران استفاده نکرد بلکه خود اسباب بروز بحران را برای آگاه کردن مردم زمان خود فراهم کرد. مبحث آمادگی زمانی به کار گرفته شد که ابراهیم(ع) یک تبر با خود برداشت و راهی بتخانه‌ای شد که بتها در آن قرار داشت. بتها را شکست و خود را آماده پاسخگویی و نیز آماده کردن اذهان برای اثبات وجود بحران در قوم خود کرد (وجود بت پرستی در جامعه). بعد از آن نمود گفت ممکن نیست؛ چون بتها توان چنین کاری را ندارند و بحث در آتش انداختن (بحران ناگهانی و غیر روزمره) ایشان

مطرح شد که جبرئیل به حضور ابراهیم(ع) آمد و فرمود آیا خواسته ای داری؟ آن حضرت فرمود بلی؛ اما نه از تو. خدای من در برآوردن حاجتم برای من کافیسست (جزائری، ۱۳۸۱: ۱۳۰ - ۱۲۷) و فقط توکل صرف چاره‌ساز بود. توکل به قدرتی ورای تصور انسانی(مقابله با توکل). خدای تبارک فرمود: و ابراهیم الّذی وُفّی (نجم/۳۷): و ابراهیمی که به عهد خود وفادار ماند و به غیر من به کسی اعتنا نکرد. البته در مورد توکل، قانون کلی، قطعی و مسلم وجود دارد و آن این است که نه تنها در مورد اتفاقاتی که اصلاً انتظار آن نمی‌رود، کاربرد دارد بلکه در تمام کارها چاره ساز است؛ اما در این نوع بحران تنها راه چاره و قوی‌ترین و عاقلانه‌ترین راه ممکن اتصال به قدرت لایزال الهی است. بنابراین می‌توان این طور بیان کرد که حضرت ابراهیم در قوم خود با ایجاد بحران سعی در رفع آن کرد. مثالی که در مورد سازمانهای امروزی نیز می‌توان ذکر کرد این است که نداشتن انگیزه کارکنان در سازمان و عدم نوآوری و مقابله آنان با نوآوری و خلاقیت همان بحرانی است که کارکنان سازمان به آن خو، و رخوت و به کارگیری روشهای نو و شیوه‌های نوین را غیر ضروری قلمداد، و در بیشتر مواقع با روشهای نوین به شیوه‌های مختلف مخالفت می‌کنند که مبحث عمیق‌تر آن را باید در کتابهای رفتار سازمانی جستجو کرد و این تنها یک مثال از بحرانی است که ممکن است در هر سازمان، طبیعی تصور شود و یا اصلاً بحران نامیده نشود. و مدیری که با نگاهی کل نگر آن بحرانها را می‌یابد، باید بسان حضرت ابراهیم(ع) با ایجاد جرعه ای آن بحران اصلی را گوشزد، و سعی در رفع آن به شیوه‌های مختلف کند.

بنابراین در مورد مبارزه با بت پرستی و آتش نمرود الگوی مدیریت بحران حضرت ابراهیم(ع) به شرح ذیل است:

پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۶. الگوی مدیریت بحران حضرت ابراهیم (ع) در مقابله با بت پرستی و آتش نمرود با بهره‌گیری از عوامل چرخه سامانه مدیریت بحران جامع؛ منبع: محقق یافته

درواقع هنگامی که مدیر سازمان با این پدیده روبه‌رو می‌شود به‌رغم اینکه ممکن کارکنان است وجود مسئله را درک نکنند، آن بحران در دنیای پیچیده و بشدت متغیر امروزی در مقابل خواسته‌های متغیر مشتریان به شمار می‌رود که مدیر سازمان باید با شیوه‌های مختلف، خود، بحران را ایجاد کند (بحران برنامه‌ای یا عمدی) و سازمان را از رخوت و عدم بازدهی (بحران عمد، زیربنایی و راهبردی) نجات دهد. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
الگوی مبسوط مدیریت بحران حضرت ابراهیم (ع) با بهره‌گیری از چرخه سامانه مدیریت بحران جامع

در این بخش به منظور استخراج و ارائه الگوی مبسوط مدیریت بحران حضرت ابراهیم (ع) از روش مطالعه تطبیقی جرج اف بردی^۱، برای تحلیل و مقایسه استفاده شده است که شامل چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه است. مراحل در روش تطبیقی جرج اف بردی این‌گونه است که در مرحله اول مطالعه تطبیقی به توصیف هر یک از عوامل مورد تحقیق به صورت جدا می‌پردازد و سپس در مرحله بعد، اطلاعاتی بررسی و تفسیر می‌شود که در مرحله قبلی

1. Beredy

به توصیف آنها پرداخته شده است. در مرحله همجواری، اطلاعاتی که در مراحل قبلی بررسی شده است طبقه‌بندی می‌شود و در کنار هم قرار می‌گیرد و چارچوبی برای مرحله بعد یعنی مقایسه فراهم می‌شود. در مرحله مقایسه نیز مواردی که در مرحله همجواری مطرح شده بود دقیقاً با توجه به جزئیات مورد بررسی و مورد مقایسه قرار می‌گیرد؛ که نتایج پژوهش نیز در این مرحله به‌دست می‌آید (بردی، ۱۹۶۶: ۱۲۳ - ۲۷). در نهایت پس از استخراج الگوی مورد نظر، به منظور اعتبار بخشی به معیارهای در مقایسه نیز از شیوه دلفی استفاده شد به این صورت که نتایج به رؤیت و تأیید ده نفر از خبرگان حوزه مطالعات مدیریت اسلامی رسید. الگوی مبسوط مدیریت بحران حضرت ابراهیم(ع) نیز در شکل ۷ آورده شده است





شکل ۷. الگوی مبسوط مدیریت بحران حضرت ابراهیم (ع) با بهره گیری از چرخه سامانه مدیریت بحران جامع

در جدول ۴ نیز به طور مبسوط مراحل رسیدن به الگو با استفاده از تفاسیر شریف نور و المیزان این نکته قابل مشاهده است که حضرت ابراهیم(ع) با توجه به آیه ۱۲ سوره ابراهیم(ع) فرمود «خدایی که هدایت کرد، حمایت هم می‌کند؛ پس تنها بر او توکل کنیم: «تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا»؛ لذا در مرحله اول با استفاده از قدرت توکل در برابر عظمت مشکلات، احساس حقارت و ضعف نمی‌کند؛ بلکه با اتکا بر قدرت بی‌پایان خداوند، خود را پیروز و فاتح می‌داند، و به این ترتیب توکل امید آفرین، نیروبخش و تقویت کننده، سبب فزونی پایداری و مقاومت ایشان می‌شود. هم‌چنین بر اساس تفسیر شریف نور در تفسیر آیه ۵۷ سوره انبیا نیز در قسمت دوم مرحله اول (مرحله آمادگی)، این موضوع قابل مشاهده است که کلمه کید نشاندهنده آمادگی ایشان به منظور شکستن بتها و منتظر ماندن برای عملی کردن برنامه خود بود و فرمود: «و تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ»: گفت «کیدن اصنامکم»، کلمه «کید»، به معنای تدبیر و چاره جویی پنهانی علیه کسی و به ضرر او است (تفسیر نور، سوره انبیاء، آیه ۵۷) و در ادامه عبارت «بعد ان تولوا مدبرین» دلالت دارد بر اینکه مردم آن شهر، گاه‌گاهی دسته جمعی به بیرون شهر می‌رفتند، حال یا عیدشان بوده و یا مراسمی دیگر و در آن روز شهر خالی می‌شده و ابراهیم (علیه السلام) می‌توانسته نقشه خود را عملی کند (قرائتی، ۱۳۸۲).

در مرحله دوم نیز (مرحله ایجاد بحران عمدی برای آگاه کردن عموم مردم از بحران راهبردی و پنهان که در اینجا همان عدم یکتا پرستی است) بنا بر آنچه از تفسیر شریف المیزان اقتباس می‌شود و در جدول ۴ نیز آمده است، می‌بینیم که حضرت ابراهیم(ع) با دو بخش شکستن بتها و نیز پاسخگویی و رفع اتهام از خود به ایجاد بحران عمدی مبادرت ورزید. قابل توضیح است که در قسمت اول با توجه به تفسیر آیه ۵۸ سوره مبارکه انبیا آمده است به هر حال او بدون اینکه از خطرهای این کار بترسد و یا از طوفانی که پشت سر این عمل به وجود می‌آید، هراسی به دل راه دهد، مردانه وارد میدان شد و با یک دنیا قهرمانی به جنگ این خدایان پوشالی رفت که آن همه علاقه‌مند متعصب و نادان داشتند به طوری که قرآن می‌گوید همه آنها را قطعه‌قطعه کرد؛ جز بت بزرگی که داشتند! (فجعلهم جذاذا الا کبیرا لهم) و هدفش این بود شاید بت پرستان به سراغ او بیایند و او هم تمام گفتنی‌ها را بگوید (لعلهم الیه یرجعون) و در قسمت دوم در بخش پاسخگویی و رفع اتهام از خود که در تفسیر سوره مبارکه انبیا آیه ۶۵ - ۶۲، آورده شده است بعد از دیدن آن صحنه، نخستین سؤالی که از ابراهیم کردند، این بود که گفتند تویی که این کار را با خدایان ما

کرده‌ای، ابراهیم! قالوا انت فعلت هذا بالهتنا یا ابراهیم) و ابراهیم (علیه‌السلام) به طور قطع این عمل را به بت بزرگ نسبت داد، ولی تمام قرائن شهادت می‌داد که او قصد جدی از این سخن ندارد، بلکه می‌خواسته است عقاید مسلم بت پرستان را که خرافی و بی اساس بود به رخ آنها بکشد و به آنها بفهماند که این سنگ و چوبهای بی جان آن قدر بی‌عرضه‌اند که حتی نمی‌توانند یک جمله سخن بگویند و از عبادت کنندگان یاری بطلبند تا چه رسد که بخواهند به حل مشکلات آنها پردازند! سخنان ابراهیم، بت پرستان را تکان داد؛ وجدان خفته آنها را بیدار کرد و همچون طوفانی که خاکسترهای فراوان را از روی شعله‌های آتش برگیرد و فروغ آن را آشکار سازد، فطرت توحیدی آنها را از پشت پرده های تعصب و جهل و غرور آشکار ساخت؛ در یک لحظه کوتاه و زودگذر از این خواب عمیق و مرگ‌زا بیدار شدند؛ چنانکه قرآن می‌گوید «آنها به وجدان و فطرتشان بازگشتند و به خود گفتند حقا که شما ظالم و ستمگرید» «فرجعوا الی انفسهم فقالوا انکم انتم الظالمون». تا اینجا ابراهیم موفق شد یک مرحله بسیار حساس و ظریف تبلیغ خود را که بیدار ساختن وجدان های خفته است از طریق ایجاد طوفان روانی اجرا کند (طباطبایی، سید محمد حسین؛ ۱۳۶۰)؛ همچنان که قابل مشاهده است در آن تفسیر شریف از ایجاد یک طوفان روانی صحبت به میان آمده است؛ بنابراین استفاده از تعبیر طوفان روانی در واقع همان ایجاد بحران عمدی توسط آن حضرت (با تأکید بر بحران بت پرستی و عدم یکتا پرستی) است. بنابراین ایشان با این طوفان روانی، اذهان را متوجه وجود پوچ پرستی در جامعه خود و نیز عدم وجود یکتا پرستی کرد.

در مرحله سوم، که بازسازی است در تفسیر گرانقدر المیزان (تفسیر آیات ۶۸ - ۶۴ سوره مبارکه انبیا) نیز این طور آورده شده است «و برای اینکه از طرف خدایان گنگ و بسته دهانشان عذری بیاورند گفتند تو می‌دانی اینها هرگز سخن نمی‌گویند! (لقد علمت ما هؤلاء ینطقون). اینها همیشه خاموشند و ابهت سکوت را نمی‌شکنند!» و با این عذر پوشالی می‌خواستند ضعف و زبونی و ذلت بتها را کتمان کنند. اینجا بود که میدانی برای استدلال منطقی در برابر ابراهیم قهرمان گشوده شد تا شدیدترین حملات خود را متوجه آنها کند و مغزهایشان را زیر رگباری از سرزنش منطقی و بیدارکننده قرار دهد، فریاد زد آیا شما معبودهای غیرخدا را می‌پرستید که نه کمترین سودی به حال شما دارند و نه کوچکترین ضرری. (قال افتعبدون من دون الله ما لا ینفعکم شیئا ولا یضرکم). این خدایان پنداری که نه قدرت بر سخن دارند، نه شعور و درکی، نه می‌توانند از خود

دفاع کنند. و نه می‌توانند بندگان را به حمایت خود بخوانند؛ اصلاً اینها چه کاری ازشان ساخته است و به چه درد می‌خورند؟! پرستش یک معبود یا به دلیل شایستگی او برای عبودیت است که این درباره بت‌های بیجان مفهوم ندارد و یا به دلیل انتظار سودی است که از ناحیه آنها عاید می‌شود و یا ترس از زیان‌شان؛ ولی اقدام من به شکستن بتها نشان داد که اینها کمترین بخاری ندارند؛ با این حال آیا این کار شما احمقانه نیست؟ باز این معلم توحید، سخن را از این هم فراتر برد و با تازیانه‌های سرزنش بر روح بیدردشان کوبید و گفت اف بر شما و بر این معبودهایی که غیر از (الله) انتخاب کرده‌اید! (ف لکم و لما تعبدون من دون الله)؛ (آیا هیچ اندیشه نمی‌کنید و عقل در سر ندارید؟) (ا فلا تعقلون) (طباطبایی، سید محمد حسین؛ ۱۳۶۰). بنابراین در اینجا همان طور که مشاهده می‌شود ایشان به بازسازی اذهان فرو افتاده از تصور قدرت بتها پرداخت و قدرت خداوند یکتا را به طور ضمنی پس از آن واقعه نمایان ساخت و در واقع ایشان با ایجاد آن بحران عمدی به رفع بحران بت پرستی و ایجاد یکتا پرستی اهتمام ورزید.

جدول ۴. مراحل رسیدن به الگوی مدیریت بحران حضرت ابراهیم(ع): تفسیر نور و تفسیر المیزان

متن تفسیر	سوره	مؤلفه	
خدایی که هدایت کرد، حمایت هم می‌کند؛ پس تنها بر او توکل کنیم: «تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا». منظور از «توکل» این است که در برابر عظمت مشکلات، انسان احساس حقارت و ضعف نکند؛ بلکه با اتکا بر قدرت بی‌پایان خداوند، خود را پیروز و فاتح بداند و به این ترتیب توکل، امید آفرین، نیروبخش و تقویت کننده و سبب فزونی پایداری و مقاومت است (تفسیر نور ۱۳۸۲: ۳۹۷).	سوره بقره، آیه ۱۲۹	۱. آمادگی روحی برای رویارویی از طریق توکل	مجله ۱ (آمادگی روحی برای رویارویی از طریق توکل)
این جمله عطف است بر جمله "بل ربکم..." یعنی گفت "کیدن اصنامکم"، کلمه "کید"، به معنای تدبیر و چاره جویی پنهانی علیه کسی و به ضرر او است و اینکه فرمود: بعد از تولد مدبرین دلالت دارد بر اینکه مردم آن شهر گاه گاهی دسته جمعی به بیرون شهر، می‌رفتند؛ حال یا عیدشان بوده و یا مراسمی دیگر و در آن روز شهر خالی می‌شده و ابراهیم (علیه‌السلام) می‌توانسته است نقشه خود را عملی کند (تفسیر نور، ۱۳۸۲).	سوره انبیاء، آیه ۵۷	۲. آماده‌شدن برای شکستن بت‌ها و منتظر ماندن برای ایجاد شرایط	مجله ۱ (آمادگی روحی برای رویارویی از طریق توکل)
به هر حال او بی‌اینکه از خطر این کار بترسد و یا از طوفانی که پشت سر این عمل به وجود می‌آید، هراسی به دل راه دهد، مردانه وارد میدان شد و با یک دنیا قهرمانی به جنگ این خدایان پوشالی رفت که آن همه علاقه‌مند متعصب و نادان داشتند به طوری که قرآن می‌گوید همه آنها را قطعه‌قطعه کرد؛ جز بت بزرگی که داشتند! (فجعلهم جذاذا الا کبیرا لهم) و هدفش این بود شاید بت پرستان به سراغ او بیایند و او هم تمام گفتنیها را بگوید (لعلهم الیه یرجعون). (طباطبایی، سید محمد حسین؛ ۱۳۶۰).	سوره انبیاء، آیه ۵۸	۱. شکستن بت‌ها توسط آن حضرت	مجله ۲ (شکستن بت‌ها توسط آن حضرت)

متن تفسیر	سوره	مؤلفه
<p>نخستین سؤالی که از ابراهیم کردند این بود که گفتند تویی که این کار را با خدایان ما کرده‌ای؟ ای ابراهیم. (قالوا ءانت فعلت هذا بالهتنا یا ابراهیم). ابراهیم (علیه‌السلام) به طور قطع این عمل را به بت بزرگ نسبت داد، ولی تمام قرائن شهادت می‌داد که او قصد جدی از این سخن ندارد؛ بلکه می‌خواسته است عقاید مسلم بت پرستان را که خرافی و بی اساس بوده است به رخ آنها بکشد و به آنها بفهماند که این سنگ و چوبهای بیجان آن‌قدر بی عرضه‌اند که حتی نمی‌توانند یک جمله سخن بگویند و از عبادت کنندگانشان یاری بطلبند؛ تا چه رسد که بخواهند به حل مشکلات آنها بپردازند! سخنان ابراهیم، بت پرستان را تکان داد؛ وجدان خفته آنها را بیدار کرد و همچون طوفانی که خاکسترهای فراوان را از روی شعله‌های آتش برگیرد و فروغ آن را آشکار سازد؛ فطرت توحیدی آنها را از پشت پرده‌های تعصب و جهل و غرور آشکار ساخت. در یک لحظه کوتاه و زودگذر از این خواب عمیق و مرگزا بیدار شدند؛ چنانکه قرآن می‌گوید آنها به وجدان و فطرتشان بازگشتند و به خود گفتند حقا که شما ظالم و ستمگرید. فرجعوا الی انفسهم فقالوا انکم انتم الظالمون تا اینجا ابراهیم موفق شد یک مرحله بسیار حساس و ظریف تبلیغ خود را که بیدار ساختن وجدانهای خفته است از طریق ایجاد طوفان روانی، اجرا کند (طباطبایی، سید محمد حسین؛ ۱۳۶۰).</p>	سوره انبیا، آیه ۲۵ - ۲۲	۲. پاسخ گویی و رفع اتهام از خود
<p>و برای اینکه از سوی خدایان گنگ و بسته دهانشان عذری بیآورند گفتند تو می‌دانی اینها هرگز سخن نمی‌گویند! (لقد علمت ما هو لاء ینطقون). اینها همیشه خاموشند و ابهت سکوت را نمی‌شکنند و با این عذر پوشالی، خواستند ضعف و زبونی و ذلت پنهان را کتمان کنند. اینجا بود که میدانی برای استدلال منطقی در برابر ابراهیم قهرمان گشوده شد تا شدیدترین حملات خود را متوجه آنها کند و مغزهایشان را زیر رگباری از سرزنش منطقی و بیدارکننده قرار دهد؛ (فریاد زد آیا شما معبودهای غیرخدا را می‌پرستید که نه کمترین سودی به حال شما دارند و نه کوچکترین ضرری. قال ا فتعبدون من دون الله ما لا ینفعکم شیئا و لا یضرکم). این خدایان پنداری که نه قدرت بر سخن دارند، نه شعور و درکی، نه می‌توانند از خود دفاع کنند، و نه می‌توانند بندگان را به حمایت خود بخوانند؛ اصلاً اینها چه کاری ازشان ساخته است و به چه درد می‌خورند؟ پرستش یک معبود یا به دلیل شایستگی او برای عبودیت است که این در باره بت‌های بیجان مفهوم ندارد و یا به دلیل انتظار سودی است که از ناحیه آنها عائد شود و یا ترس از زیانشان؛ ولی اقدام من به شکستن بتها نشان داد که اینها کمترین بخاری ندارند؛ با این حال آیا این کار شما احمقانه نیست؟ باز این معلم توحید، سخن را از این هم فراتر برد و با تازیانه‌های سرزنش بر روح بیدردشان کوبید و گفت اف بر شما و بر این معبودهایی که غیر از(الله) انتخاب اید! (ف لکم و لما تعبدون من دون الله). آیا هیچ اندیشه نمی‌کنید و عقل در سر ندارید؟ (ا فلا تعقلون)؛ (طباطبایی، سید محمد حسین؛ ۱۳۶۰).</p>	سوره انبیا، آیه ۲۸ - ۲۵	شکستن اعتقاد به بت‌ها و فروریختن باور به قدرت آنها

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در الگوی مدیریت بحران حضرت ابراهیم(ع)، همان‌طور که در شکل (۶) مشاهده می‌شود در مقایسه با الگوی چرخه سامانه مدیریت بحران جامع، شکل ۵ خواهیم دید در این الگو، عامل پیشگیری وجود ندارد و آن به این دلیل است که در جامعه زمان حضرت ابراهیم(ع)، همان‌طور که در پیشتر نیز توضیح داده شد به ظاهر هیچ مشکلی وجود نداشت و در واقع مردم به آن عادت کرده بودند و بحرانی نبود که بخواهد پیشگیری از آن صورت گیرد؛ بنابراین حضرت ابراهیم(ع) به عنوان رهبر و فرستاده خداوند در آن قوم به آشکار شدن بحران کلان (بت پرستی و عدم اعتقاد به یکتا پرستی) و رویارویی با آن با ایجاد بحران ملزم شد؛ پس الگوی ایشان از مرحله آمادگی آغاز می‌شود. مرحله دوم نیز مرحله رویارویی با بحران اصلی (شکستن بت‌ها و درگیر کردن افکار مردم و ایجاد سوال برای آنها) است. در پایان نیز در مرحله بازسازی، همان‌طور که در الگوی مبسوط مدیریت بحران ایشان در شکل ۷ نشان داده شد، ملاحظه شد بازسازی زمانی شکل گرفت که آن حضرت با به سلامت گذشتن از آتش نمرود در واقع به بازسازی افکار و عقاید قومش نیز پرداخت (با پیروزی بر نمرود و نشان دادن عدم قدرت بتها موجب یکتا پرستی قوم خود نیز شد). در مورد مدیریت بحران آن حضرت بسیار بارز است که وقتی برای رویارویی اعتقاد راسخ به منظور رفع بحران با بحران وجود دارد و تنها راه حل این است؛ اعتقاد مدیر و رهبر برای این کار می‌تواند راهبردی و کارساز باشد؛ به عنوان نمونه می‌توان مدیریت بحران عمدی در سازمانهای امروز را ایجاد انگیزه تغییر دانست. در واقع تضاد، منشأ تغییر و تحول می‌شود و خلاقیت و نوآوری را می‌تواند پرورش دهد؛ بنابراین مدیران باید شمه‌ای قوی و ذهنی کل‌نگرداشته باشند تا بتوانند در مرحله اول، مشکل را تشخیص دهند و منشأ آن را درک، و بعد از آن به بازسازی سازمان خود اقدام کنند.

مدیران باید خلاق و نوآور باشند تا بتوانند بهترین راه ایجاد بحران سازنده را ایجاد کنند. همچنین باید به فراگیری و آموختن مستمر بپردازند؛ به عبارتی خود و سازمان آنها یادگیرنده باشد.

باید محیط دورنی و بیرونی سازمان را بخوبی بشناسند و برای شناسایی و کشف بحرانهای موجود و نقاط ضعف سازمان، کمیته‌های ضربت و برنامه ریزی تشکیل دهند.

مدیران باید همواره کارکنان خود را تشویق به ارائه راهکار و تعامل دو طرفه میان مدیر و کارکنان کنند تا از این طریق بتوانند هم مشکلات را بهتر شناسایی کنند و هم به افزایش همکاری کارکنان در باب اجرایی کردن راه کارها و آسانسازی آن کمک کنند.

منابع فارسی

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۹۲)، انتشارات عابدزاده.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹)، قم: انتشارات مشهور.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۲)، **عیون اخبار الرضا**، ترجمه حمید رضا مستفید، تهران: نشر صدوق.
- احمدی، سید علی اکبر؛ رسولی، رضا؛ رجبزاده قطری، علی و پویای قلی زاده، پریسا (۱۳۹۱)، ارائه مدل مدیریت بحران با تمرکز بر نظام مدیریت منابع انسانی برای بیمارستانهای شهر تهران. **مدیریت دولتی**، ش ۱۰: ۲۴ - ۱.
- باقری، مصباح الهدی (۱۳۸۰)، جنبه‌هایی از مدیریت بحران پیامبر اکرم (ص) با تأکید بر موارد خاص: چهار غزوه «بدر»، «احد»، «احزاب» و «تبوک»، **مجله اندیشه صادق**، ش ۴ - ۳: ۲۱ - ۳.
- پورحسینی، سمیرا سادات و ربیعی، علی (۱۳۹۳). **مدیریت بحران: مفاهیم، الگوها و شیوه‌های برنامه ریزی در بحران‌های طبیعی**. تهران: تیسرا. ۱۵۶ - ۱۲۳.
- پور رستمی، حامد (۱۳۹۲)، راهبردشناسی مدیریت بحران در سیره زینب کبری (علیها السلام)، **نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی**، ش ۲: ۸۵ - ۵۵.
- پور عزت، علی اصغر و قلی پور، آرین (۱۳۸۷)، برنامه‌ریزی مدیریت بحران کاربرد نظام برنامه ریزی سلولی چندلایه در رسانه ملی برای مدیریت بحران در نظام‌های اجتماعی، **پژوهشهای ارتباطی**: ۱۷۸ - ۱۶۳.
- تولایی، روح‌الله (۱۳۹۳)، بررسی مبانی تنوریک مدیریت بحران، **مدیریت بحران**، ش ۳: ۱۲۳ - ۱۱۷.
- تولایی، روح‌الله (۱۳۹۶)، مدیریت بحران در سیره امیرالمؤمنین (ع)، **فصلنامه علمی توسعه سازمانی پلیس**، ش ۱۴: ۸۸ - ۶۵.
- جزائری، نعمت الله بن عبدالله (۱۳۸۱)، **قصص الانبیاء (قصص القرآن)**، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران: فرحان. ۱۳۰ - ۱۲۷.
- جعفری، داود (۱۳۹۸)، مدیریت بحران در محیط کسب‌وکار امروز، نقش راهبردی منابع انسانی، **فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری**، ش ۸: ۴۲ - ۳۲.
- جمیلی، حسن؛ سواری، احمد (۱۳۹۹)، بررسی جایگاه مشارکت‌های مردمی در مدیریت بحران، **پژوهشهای نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی**، ش ۲۳: ۱۳۸ - ۱۲۹.
- حسنی، مجید و نقی پور فر، ولی‌الله (۱۳۹۶)، پویایی‌شناسی سیره حضرت علی (ع) در مدیریت بحران جنگ جمل، **مدیریت اسلامی**، ش ۳: ۱۳۷ - ۱۱۵.

- حسینی، مازیار و همکاران (۱۳۸۷)، مدیریت بحران، تهران: مؤسسه نشر شهر: ۱۵۳ - ۱۴۹.
- خانپور، محمد و خدیجه خانپور (۱۳۹۴)، چرخه مدیریت بحران، اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری، بصورت الکترونیکی، مؤسسه پژوهشی البرز.
- خطیبی کوشکک، محمد (۱۳۸۴)، درآمدی بر نقش اسلام در حل بحران‌های سیاسی - اجتماعی، فصلنامه حصون، ش ۵: ۵۸ - ۳۵.
- خطیری، خدیجه؛ حسام، رسول؛ یخینانی، روح‌الله (۱۳۹۴)، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی. رابرت تیلر کلنن (۱۹۵۲) *تصمیم‌گیری در شرایط بحران و فرایند خط‌مشی‌گذاری*. ترجمه محسن وارثی و ابوالقاسم حکیمی پور ۱۳۸۵. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی: ۱۲۲ - ۱۱۵.
- سلیمانی، زهرا؛ منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۳)، تمدن‌سازی انبیاى ابراهیمی، مدیریت اقتصادی و عدالت اجتماعی (با تأکید بر حکومت حضرت یوسف(ع))، فصلنامه معرفت ادیان، ش ۲: ۲۲ - ۷.
- شکرچی‌زاده، احمد رضا؛ خدادادی نژاد، کیامر، ساسان، علی و مرادی، فرهاد (۱۳۹۳)، راهبردهای مدیریتی بحران در بحرانهای درون سازمان، اولین همایش ملی مهندسی عمران، شهرسازی و توسعه پایدار.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۰)، *تفسیر المیزان*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- عسکری ماسوله، سعید؛ افشار، مهدی؛ محمدی، مینا (۱۳۹۵)، تأثیر نظام مدیریت منابع انسانی بر کیفیت عملیات مدیریت بحران مطالعه موردی: ستادهای مدیریت بحران شهرداری تهران، دو فصلنامه علمی و پژوهشی *مدیریت بحران*. ش ۱: ۴۷ - ۳۹.
- عزیز آبادی فراهانی، فاطمه؛ سلطانی زاده، نرگس؛ حیدری، داود؛ زاهدی، مریم و یعقوبی رزگی، سمانه (۱۳۹۸)، بحران فرهنگی و راهکارهای مقابله با آن با توجه به سلامت اجتماعی و بهره‌گیری از روش مدیریتی برگرفته از قرآن و پیشگامان دینی اسلام، پژوهش در دین و سلامت، ش ۲: ۱۳۷ - ۱۲۷.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۴)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء: ۲۵۷ - ۲۴۱.
- متولی حبیبی، مسلم (۱۳۸۵)، ۶ گام مؤثر در مدیریت بحران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۱۶۷: ۳۲ - ۲۱.
- محمدی سیرت، حسین و قاسم‌پور، محسن (۱۳۹۴)، واکاوی مفهوم بحران در گفتمان قرآنی، *نشریه معرفت*، ش ۲۱۴: ۸۴ - ۶۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، *امامت و رهبری*، قم: مرکز نشر آثار استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، *حماسه حسینی*، قم: مرکز نشر آثار استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا، ج ۲: ۲۴۶.
- مولایی نیا، عزت‌الله؛ نجات‌بخش اصفهانی، علی (۱۳۹۶)، تدوین شاخصهای مدیریت بحران با رویکرد خارج سازی قرآن از مهجوریت (مورد مطالعه: بحران گوساله پرستی قوم حضرت موسی(ع))، *نشریه علمی*

پژوهشی مدیریت فردا، س ۱۶: ۷۲ - ۵۵.

نجفی، علیرضا (۱۳۹۲)، نقش مدیریت بحران منابع انسانی در نگهداری کارکنان آموزش و پرورش استان اصفهان، اولین کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (بارویکردی بر مدیریت و حسابداری).

ناظم بکائی، محسن؛ مردانی نوکنده، محمد حسین؛ نوروزی، محمد (۱۳۸۹)، بررسی و تبیین انحطاط فرهنگی از دیدگاه قرآن و آموزه های دینی و ارائه راهکارهای عملی مأخوذ از آن، ماهنامه مهندسی فرهنگی، ش ۴۳ و ۴۴: ۹۱ - ۸۰.

نقی پور فر، ولی الله؛ علیزاده، محمد؛ یآوری سرسختی، محمد جواد (۱۳۹۶)، نقش حضرت زینب(س) در مدیریت بحران سیاسی مذهبی دوران اسارت، نشریه علمی زن و فرهنگ، ش ۳۱: ۵۶ - ۴۵.

نصیبی، مهدی؛ مدیری، محمود و نکوئی، محمدعلی و حسنوی، رضا و نوری، مهدی (۱۳۹۴)، ایجاد مدل تعاملی اطلاعات و فعالیتهای ذی نفعان مدیریت بحران در صنعت با رویکرد مهندسی همزمان مطالعه موردی: ایران خودرو، مدیریت بحران، ش ۸: ۳۶ - ۲۳.

Beredy, G.F. (1966). Comparative Method in Education . New York: Winston Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی